



شاعر دار بر دوش

نمایشنامه‌ای دربارهٔ دعبل خزاعی

په‌سن محمد عمرو

ترجمه:

سمانه عیدی کاظمی

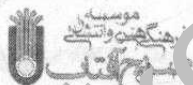
سیدمهدی نوری کیزقانی

(عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری)

عباس گنجعلی

(عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری)

سرشناسه	:	عمرو، یوسف محمد
عنوان قراردادی	:	دعبل بن علی الخزاعی: مسرجه تاریخیه فی ثلاثه فصول. فارسی
عنوان و نام پدیدآورندگان	:	شاعر دار بر دوش: نمایشنامه‌ای درباره دعبل خزاعی /
مشخصات نشر	:	مترجمان: سمانه عیدی کاخکی، سیدمهدی نوری کیزقانی، عباس گنجعلی
مشخصات ظاهری	:	مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب
شابک	:	۱۵۲ ص
وضعیت فهرست نویسی	:	۳-۲۸۲-۴۷۶-۶۰۰-۹۷۸
موضوع	:	فیبا
سناسه افزوده	:	نمایشنامه عربی - لبنان - قرن ۲۰م. دعبل خزاعی، ۱۴۸ - ۲۴۶ق.
رده‌بندی کنگه	:	عیدی کاخکی، سمانه، ۱۳۶۸-نوری کیزقانی، سیدمهدی، ۱۳۶۲ - گنجعلی، عباس، ۱۳۵۸
رده‌بندی دیویی	:	PJA۴۸۸۲
شمار کتابشناختی ملی	:	۸۹۲/۷۳۶
	:	۵۸۹۹۹۹۲



نام کتاب.....شاعر دار بر دوش: نمایشنامه‌ای درباره دعبل خزاعی

مترجمان.....سمانه عیدی کاخکی، سیدمهدی نوری کیزقانی، عباس گنجعلی

ناشر.....مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب

صفحه‌آرا.....حوا فیضی نژاد

طراح جلد.....حامد منصوریان

نوبت چاپ.....اول ۱۳۹۸

قطع.....رقعی

شمارگان.....۵۰۰ جلد

قیمت.....۲۵۰۰ تومان

چاپ.....معین

شابک.....۳-۲۸۲-۴۷۶-۶۰۰-۹۷۸

مرکز پخش: مشهد، خیابان امام خمینی، جنب اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی
 بازارگانی: ۰۵۱)۳۲۲۸۱۴۱۰ (سفارشات: ۰۵۱)۳۲۲۸۳۴۲۲ (دفتر نشر: ۰۵۱)۳۲۲۸۰۱۶۷
 Web site - www.zarihaftab.ir Email - zarihaftab@gmail.com

فهرست

۷.....	سخن مترجمان
۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	پیشگفتار
۱۹.....	مختصات‌های نمایشنامه
۲۱.....	بخش اول
۲۲.....	پرده نخست
۳۹.....	پرده دوم
۵۹.....	پرده سوم
۷۵.....	بخش دوم
۷۷.....	پرده نخست
۱۱۳.....	پرده دوم
۱۲۳.....	بخش سوم
۱۲۵.....	پرده نخست
۱۴۱.....	پرده دوم
۱۴۹.....	منابع نویسنده

مقدمه

شاید خصوصیتی که اغلب کتاب‌ها و مقدمه‌هایشان دارند و نخستین صفتی که مؤلفان در مقدمه نویسی جست‌وجو می‌کنند، شهرت، اعلم‌بودن، برتری یا نوآوری اوست تا مقدمه‌نویس با بخشی از شهرت خویش، کتاب را برجسته سازد یا اینکه در بازارهای نشر و فرهنگ یکباره به آن رونق بخشد؛ از آن‌رو که در دوره کنونی، فرهنگ به بازار و تبلیغاتی بدل گشته و ادب‌ها نیازمند کسانی شده که آن‌ها را گسترش دهند.

اما تفاوت این مقدمه با نمونه‌های دیگر این است که نویسنده با اصرار، کسی را برای شناسش انتخاب کرده که بهره‌ای از ویژگی‌های مذکور نبرده و توانایی رد این کتاب را برجسته سازد یا در بازارها رونقی به آن بخشد. ناگزیر باید اعتراف کرد که مقدمه بنده به ژرفای کتابش مطلبی نمی‌افزاید و چیزی از آن نمی‌کاهد.

چه زیباست که در آغاز، عم‌باش و فرصت نوشتن مقدمه کتابی برای فراهم شود، آن‌هم کتابی ادبی که فرصت زیبا هنگامی که به واقعیت تبدیل شود، انسان دچار سرگردانی و تردید می‌شود؛ از کجا شروع کند؟ درباره چه بنویسد؟ کجا به آن پایان بخشد؟ دهی فرد در این سؤالات فرو می‌رود و میان پذیرفتن و نپذیرفتن نوشتن مقدمه سرگردان می‌شود.

ناگزیر من هم مانند دیگران دچار این تردید شدم و با سرگردانی از خویش پرسیدم: آیا نقد کنم، درحالی که نقد روش متخصصان است و من ادعایش را ندارم؟ یا اینکه عذرخواهی کنم و فرصتی را که کمتاب‌نویسی به یک جوان می‌دهد، از دست دهم؟

من نمایشنامه‌نویس یا منتقد نیستم؛ اما انسان حتی اگر توانایی نقد نداشته باشد، می‌تواند نظر خویش را درباره رویدادهای پیرامونش آشکار سازد و تأیید آن بر عهده متخصصان و ناقدان و افراد باصلاحیت است.

گذشته از اختلاف نظر در تعریف نمایشنامه، البته در زندگی و آداب و رسوم ما نمونه‌های بسیاری از نمایشنامه وجود دارد^۱ و گذشته از این بحث که آیا عرب‌ها و مسلمانان از قدیم با نمایشنامه آشنا بودند یا نه، باید گفت که عرب‌ها توانستند نمایشنامه غربی را در قرن ۱۹ میلادی وارد جهان عرب کنند و موفق شدند رنگ و بوی عربی به آن دهند؛ اما فقط توانستند در شهرهای بزرگ و بخش‌های مرفه آن و میان گروه اندکی از هیئتگانی که اغلب در کنج عزلت به سر می‌برند، نمایشنامه‌ها را تثبیت کنند.

نمایشنامه‌های نخستین قابلیت‌های موجود و میراث فرهنگی و تمدنی گسترده عرب را نادیده گرفت و این باعث شد میان محتوای نمایشنامه که حرف خود را می‌زند، واقعیت زندگی مردم فاصله افتد و این خود گاه به جدایی نمایشنامه از حیات گاه به جدایی نمایشنامه‌نویسان از زندگی واقعی‌شان انجامیده است.

دکتر علی راعی، خدایه‌نویس و رحمت‌نویس، که خود نمایشنامه‌نویس است، بر این باور است که: «نمایشنامه عربی بعد از گذشت بیش از یک قرن، هنوز غیرعربی به‌شمار می‌آید و نمایشنامه‌ای صرفاً عربی شده است.»^۲ این سخن دکتر راعی مربوط به بیست سال گذشته است؛ درحالی که در دوران ما سبک‌های گوناگون نمایشنامه‌نویسی رایج شده است. نسل‌هایی با آن زندگی می‌کنند و عده‌ای نیز از آن می‌گریزند. برخی از این نمایشنامه‌ها با هزل فراوان و اسلوبی بسیار سست، نقص‌ها و کمبودهای وجود در جامعه را بیان می‌کند تا بر چهره‌ها، نقابی خندان ترسیم کند که تا پرده

۱. نک: روحیه عساف، المسرح / قنعة المدينة، بیروت: دار المثلث، بی‌تا.

۲. علی الراعی، المسرح فی الوطن العربی، سلسلة عالم المعرفة، ۳۴۸، الكويت: ص ۵۰۴.

بعدی دوام ندارد و جایش را به نقاب‌های دیگر می‌دهد و طولی نمی‌کشد که آن نیز هنگام خروج از صحنه یا پیش از آن از میان می‌رود. برخی دیگر از این نمایشنامه‌ها حتی از عناصر اصلی نمایشنامه هم تهی است؛ مثلاً در صحنه‌ها فراق هست، اما اندوه نیست، درد هست، ولی آه نیست، مرگ هست، اما اشکی نیست. برخی دیگر هم عوامل اصلی موفقیت خویش را از دست داده است؛ مشکلات را بیان می‌کند و راه‌حل‌ها را از یاد می‌برد، از مسائل انتقاد می‌کند، بدون اینکه به دلایل آن بپردازد. البته نباید برخی آثار ارزشمند و والا را فراموش کنیم.

تجسم بی‌شکلی نثری مهمی برای نمایشنامه است و همان حقیقت اثر نمایشنامه‌ای است؛ همچنان که زیبایی نمایشنامه به ارائه آن در برابر دیدگان مردم است. تصریر نمایشنامه به شکل‌های دیگر، مثلاً در ذهن یا با خواندن کتاب، ممکن نیست.

گذشته از تخیل متنی که در این ماست، ملاحظه می‌شود که نویسنده در نمایشنامه دعبل بن علی خراسانی متنی تاریخی را از مهم‌ترین بخش‌های زندگی دعبل خراسانی ارائه می‌کند. در نمایشنامه خویش بر دو موضوع اساسی تکیه می‌زند:

نخست: رابطه دعبل بن علی با حکومت‌های صفویه و پادشاهان دوره‌های مختلف زندگی‌اش؛

دوم: رابطه‌اش با امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام).

نویسنده رابطه تمسخرآمیز دعبل با فرمانروایان و اطاعتش را با سبکی زیبا و ساده نمایان ساخته و بر هجو شدید آن‌ها در شعر دعبل، تأکید کرده است؛ همچنین به خوبی توانسته اندوه شاعر را درباره ائمه (علیهم السلام) و مصیبت‌های ایشان ترسیم کند و نمونه‌هایی از مرثیه‌های دعبل را در

نمایشنامه خود جای دهد که نمایانگر تاریخ دردناک زندگی اهل بیت علیهم السلام و به‌ویژه حادثه کربلاست.

ارتباطی که استاد عمرو میان رویدادهای پراکنده زندگی دعبل برقرار ساخته، کاری ارزنده به‌شمار می‌آید که نویسنده با آن توانسته نمایشنامه‌ای به‌روز و دارای ابعاد کامل ارائه کند؛ چون مفاهیمی در متن وجود دارد که نمایشنامه را با وجدان مردمی و حتی تبلیغات تلویزیونی یا رادیویی پیوند می‌دهد؛ به‌ویژه که در دوران ما نمایشنامه گرفتار تراکم و رقابت شبکه‌های تلویزیونی داخل و خارج شده و این رقابت نقشی را که نمایشنامه باید ایفا کند از بین رفته یا نزدیک است محو کند و نمایشنامه عربی‌اسلامی بیش از انواع دیگر نمایشنامه‌ها در این زمینه آسیب دیده است.

یکشنبه ۸ آوریل سال ۲۰۰۲ میلادی

برابر با ۲۴ محرم سال ۱۴۲۳ هجری

رامی کنگان